



## طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی

**A Curriculum Model for Improving the Life Skills of Elementary School Students**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

[DOR: 20.1001.1.17354986.1400.16.62.2.7](https://doi.org/10.1001.1.17354986.1400.16.62.2.7)

M. Adibmanesh (Ph.D)

A.sadr (Ph.D)

مرزبان ادیب منش<sup>۱</sup>آمنه صدر<sup>۲</sup>

**Abstract:** The present study seeks to design an optimal model for improving the life skills of elementary school students. This research was qualitative and phenomenological regarding the method. The participants in the present study were experts in the field of primary education, who were selected through purposive sampling. The interviews were conducted with 15 people until theoretical saturation was obtained in the data. The instrument used in the research was a semi-structured interview and data analysis was performed using qualitative content analysis of interpretive type. The findings indicated that life skills training to elementary students is done in the form of three general areas of knowledge, attitude and skills, and by four elements of purpose, content, method and evaluation. In addition, the findings showed that knowledge, attitude and ability have mutual relationships with each other. It was also mentioned that the elements of life skills curriculum are in a cyclical relationship that starts from the goal and ends with the content and then with the method and finally with the evaluation and the results. The result of the evaluation in the form of feedback leads to the formulation and revision of goals. Overall, the research findings showed that in teaching life skills to elementary school students. The designed model also indicated that the elementary school stage is the period of developing foundation for personality-structure, and formation of intellectual, social and emotional development and human personality and development of basic and motor skills, so it is necessary to curriculum life skills, knowledge dimensions, attitude and skills should be considered in parallel and equally.

**Keywords:** curriculum, elementary school, life skills, student, model

**چکیده:** مقاله حاضر به طراحی الگوی مطلوب ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداخته است. روش تحقیق کیفی و از نوع پدیدارشناسی است. شرکت‌کنندگان را ۱۵ نفر از صاحب‌نظران آموزش ابتدایی تشکیل می‌دهند. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود، برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل محتوای کیفی از نوع تفسیری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان ابتدایی، در قالب سه زمینه کلی دانش، نگرش و توانش، و توسط چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی انجام می‌گیرد. بر این اساس، دانش، نگرش و توانش در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند و همچنین عناصر اشاره شده برنامه درسی مهارت‌های زندگی در یک ارتباط چرخه‌ای قرار دارند که از هدف شروع شده و به ارزشیابی ختم می‌شوند و نتایج حاصل از ارزشیابی به صورت بازخورد به تدوین و بازنگری اهداف می‌انجامد. همچنین الگوی طراحی شده نشان می‌دهد که دوره ابتدایی، دوره پایه‌ریزی ساختار شخصیتی، شکل‌گیری رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی و شخصیت آدمی و توسعه مهارت‌های بنیادی و حرکتی است، بنابراین لازم است به برنامه درسی مهارت‌های زندگی، ابعاد دانش، نگرش و مهارت به موازات هم و به طور یکسان مورد توجه قرار گیرند.

**کلیدواژه‌ها:** برنامه درسی، دوره ابتدایی، مهارت‌های زندگی، دانش‌آموز، الگو

## مقدمه

ماموریت آموزش و پرورش در قالب تعلیم و تربیت به افراد، موضوعی است که در همه دوران مورد توجه بوده است. یعنی هر جا افراد بشر زندگی کرده‌اند مساله تربیت و آموزش و پرورش مطرح شده است، به عبارت دیگر زندگی و تربیت برای انسان دو مفهوم لازم و ملزوم و شاید مترادف هم باشند که یکی بدون دیگری امکان پذیر نیست. این مهم سبب شده است که موضوع تعلیم و تربیت و کسب مهارت‌های لازم برای زندگی از ابتدای خلقت انسان مورد توجه اقوام، ملل، ادیان و دولت‌ها باشد (شریعتمداری، ۱۳۸۹). در این راستا نظام آموزش و پرورش ایران در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی، سرفصل‌ها و محتوای متناسب با این شرایط برای دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی در نظر گرفته است.

البته در بین دوره‌های تحصیلی نظام آموزش و پرورش ایران، دوره تحصیلی ابتدایی جایگاه ویژه‌ای در بحث تربیت و مهارت‌های زندگی دارد، زیرا این دوره تحصیلی به لحاظ کمی و کیفی یعنی تأثیری که در سراسر زندگی و دوران تحصیل بر دانش‌آموزان دارد از اساسی‌ترین و مهمترین دوره‌های تحصیلی است که به جرأت می‌توان گفت هیچ یک از دوره‌های تحصیلی از چنین اهمیتی برخوردار نیستند (بندک، ۱۳۹۳). دوره ابتدایی را دوره "اساس" نام گذاری کرده اند، اگر بپذیریم که زیر بنای توسعه هر کشور از طریق آموزش و پرورش بنیان گذاشته می‌شود بدون تردید ستون‌های اصلی آنرا باید در آموزش و پرورش ابتدایی جستجو کرد. دوره ابتدایی را به عنوان "پنجره فرصت" در آموزش و پرورش نیز نام می‌برند بگونه‌ای که اگر این فرصت از دست برود امکان جایگزینی آن تقریباً وجود ندارد، مضافاً اینکه دوره ابتدایی، در رشد مفاهیم و معانی اموری که کودک در زندگی روزمره با آنها مواجه است، نقش مهمی برعهده دارد. این دوره تداوم بخش تکوین شناختی، زیستی و اجتماعی کودک است (اورکین و نندیا، ۲۰۱۶). همچنین دوره‌ای است که در آن فرصت و موقعیت مناسبی برای تحصیل، تربیت، یادگیری و شیوه ارتباط صحیح با دیگران برای کودک فراهم می‌گردد و استعدادهای هر کودک بتدریج شکوفا می‌شود (گوداس و همکاران، ۲۰۱۶).

- 
1. Orkin, Wendia
  2. Goudas et all

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ...

بنابراین می‌توان بیان داشت که دوره ابتدایی، دوره آموزش مهارت‌های زندگی است. این مهارت‌ها شامل مجموعه توانایی‌هایی هستند که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می‌آورند. این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازند تا مسئولیت نقش اجتماعی خود را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با درخواست‌ها، نیازها، انتظارات و مشکلات روزانه به ویژه در روابط بین فردی به شکلی موثر روبه‌رو شود (سیورز و جونز بلنک، ۲۰۰۸).<sup>۱</sup> تا چندی پیش، هدف آموزش و پرورش ابتدایی این بود که دانش‌آموزان فقط در خواندن، نوشتن و حساب کردن تبحر پیدا کنند. اما امروزه در آموزش و پرورش توسعه یافته، علاوه بر آموختن و کسب مهارت‌های بالا توسط فراگیر، نیازهای جدید نیز در قالب کسب مهارت‌های زیستن، حل مساله در موقعیت‌های مختلف و جدید زندگی و چگونگی مواجهه با تفکرها و چالش‌های هزاره سوم طرح شده است (جوادی پور، عزیززاده و نوروزی، ۱۳۹۳).

با این شرایط، مهارت‌های زندگی و توانایی استفاده از آن به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت شناخته می‌شود. به همین دلیل این مسئله مهم در سال‌های اخیر به یکی از اجزای ضروری در آموزش کلاس درس، زندگی و اجتماع تبدیل شده است (براهویی، عارفی و محمدی، ۱۳۹۵).

بسیاری از دانش‌آموزان در رویارویی با مسائل زندگی فاقد مهارت‌ها و توانایی‌های لازم هستند و آموزش‌های سنتی و مرسوم در قالب یادگیری‌های درون مدرسه‌ای نتوانسته اند آنها را در حل مسائل زندگی یاری کنند (گلیک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). فقدان مهارت‌ها و توانایی‌های عاطفی، روانی و اجتماعی، افراد در مواجهه با مسائل و مشکلات آسیب پذیر نموده و آنها را در معرض اختلالات روانی، اجتماعی و رفتاری قرار می‌دهد (عربگل، محمدی، شوشتری، ۱۳۸۴). با لحاظ کردن این شرایط و با توجه به انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت در رابطه با پرورش همه جانبه قابلیت‌ها و توانایی انسان‌ها بکار می‌رود، توجه به مهارت‌های زندگی امری ضروری به نظر می‌رسد.

به طور کلی، هر چند در اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت کشور ایران و در برنامه‌های درسی به آموزش مهارت‌های زندگی به طور مستقیم یا غیرمستقیم تاکید شده است، اما لازم

---

1. Seevers & Jones- Blank

2. Gilak

است برنامه درسی به عنوان مهمترین عنصری که مستلزم تحول متناسب با شرایط جدید است، طوری طراحی شود که افراد را برای ایفای نقش به عنوان یک عنصر فعال در جامعه یاری دهند (خدارحمی و ملکی، ۱۳۹۴). به هر حال، عدم کارایی برنامه‌های درسی دوره ابتدایی به عدم کارایی و اثربخشی دوره تحصیلی آموزش ابتدایی می‌انجامد. این امر سبب می‌شود که دانش‌آموزان این مقطع، مهارت‌های لازم را در حیطه‌های مختلف فرا نگیرند و دانش و مهارت لازم برای ورود به جامعه را کسب ننمایند (ادیب منش، ۱۴۰۰). با احتساب این و با توجه به اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی مبنی بر تأثیر این آموزش‌ها بر سلامت و بهداشت روان و تأثیرات فردی و اجتماعی بر زندگی دانش‌آموزان و همچنین نبود آموزش‌های منظم و منسجم در نظام آموزشی و کتاب‌های درسی در دوره ابتدایی در حوزه مهارت‌های زندگی، این پژوهش در تلاش است که به طراحی الگوی آموزش و ارتقای مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی بپردازد. طراحی الگوی مذکور می‌تواند مبنای مناسبی را برای تدوین برنامه‌های درسی مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی فراهم نماید.

در ارتباط با موضوع مهارت‌های زندگی در نظام‌های آموزشی، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است که در این پژوهش به چند نمونه که ارتباط بیشتری دارند، اشاره می‌شود.

روشنی (۱۳۹۵) در پژوهشی به جایگاه " آموزش مهارت‌های زندگی " مدارس ابتدایی در جمهوری اسلامی ایران پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که معلمان بیش از اندازه متوسط معتقد به رشد مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان از طریق آموزش درس مهارت‌های زندگی در مقطع ابتدایی هستند. دیدگاه معلمان زن در مورد نقش این آموزش‌ها در زمینه رشد مهارت‌ها در دانش‌آموزان به نسبت دیدگاه معلمان مرد بهتر بود ولی از جنبه تحصیلات و سنوات خدمت اختلاف معنی داری مشاهده نگردید.

جوادی پور، عزیزی و نوروززاده (۱۳۹۳) در پژوهشی، به بررسی میزان تحقق اهداف مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که اهداف مهارت‌های زندگی در محورهای تفکر خلاق، تصمیم‌گیری، ارتباطات اجتماعی، خودآگاهی، همدلی، ارتباط بین فردی، حل مسأله، مقابله با هیجان و مقابله با استرس در دانش‌آموزان

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ... ابتدایی تحقق یافته است. در کل طبق نتایج به دست آمده تحقیق مشخص شد که اهداف دوره ابتدایی به طور قابل قبولی مهارت‌های اساسی زندگی را در دانش‌آموزان تحقق بخشیده است. احدی و مظاهری (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان "اعتبار بخشی راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی" انجام دادند. نتایج این پژوهش حاکی از ضرورت بازنگری در تعریف ارائه شده از آداب و مهارت‌های زندگی، مبانی نظری حاکم بر اصول برنامه، رویکرد حاکم بر برنامه، توجه به تفاوت‌های جنسیتی در برنامه و همچنین رعایت یک نقشه مفهومی مناسب برای سطوح ابتدایی تا متوسطه، توجه ویژه به صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و الزامات اجرایی برنامه است. نکته حائز اهمیت اینکه متخصصان تأکید فراوانی بر غنی‌سازی برنامه‌های درسی مستقل و تلفیقی از نظر حوزه یادگیری آموزش آداب و مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان داشتند. از جمله ویژگی‌های خاص و بومی این برنامه علاوه بر مهارت‌های زندگی که در نظام‌های آموزشی دنیا مطرح است، بحث آداب زندگی نیز با آن همراه شده است.

ادیب (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان "طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دوره راهنمایی تحصیلی" مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که الگوی مطلوب برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دوره راهنمایی تحصیلی از نظر ساختار و سازمان‌دهی محتوا به صورت تلفیقی، از نظر هدف، مبتنی بر نیازهای روزمره دانش‌آموز، از نظر محتوا روش کاری، از نظر راهبردهای تدریس مبتنی بر مدل‌های تعامل اجتماعی و رشد ویژگی‌های شخصی و از نظر ارزشیابی مبتنی بر روش‌های کمی و کیفی بررسی عملکرد دانش‌آموزان است.

اشنایدر و زیمان<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان "نیاز به ارزیابی برنامه‌های آموزشی مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان آلمانی" مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که دانش‌آموزان دارای سطح آگاهی متوسطی از مهارت‌های زندگی هستند.

باهلر<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان "نقش ارتقاء مهارت‌های زندگی در جلوگیری از مصرف مواد مخدر" مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از آن بود که افزایش دانش مهارت‌های

---

1. Schneider & Zimman

2. Bahler et all

زندگی برابر است با افزایش نگرش متفاوت دانش‌آموزان در مورد استفاده از الكل و به طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که پیشگیری مطلوب می‌تواند نتیجه تأثیر اطلاعات در مورد مهارت‌های زندگی باشد و برنامه‌های مهارت‌های زندگی از مصرف مواد مخدر جلوگیری می‌کند.

بیلی<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) و همکاران در تحقیق خود به مطالعه "ارتباط بین مهارت‌های زندگی و توانایی حل مساله در کودکان دبستانی" پرداختند. آنها در تحقیق طولی خود به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزانی که در دوره ابتدایی از مهارت‌های زندگی بهتری برخوردار بودند، در سنین بعد از ابتدایی بهتر می‌توانند از عهده فعالیت‌هایی چون برنامه‌ریزی‌های مربوط به حل مساله برآیند و از روش‌های موفق‌تری برای حل مساله استفاده کنند.

آلبرتین و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان "الگوهای قدرتمند کردن افراد از طریق برنامه مهارت‌های زندگی" مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که آموزش مهارت‌های زندگی موجب افزایش نقش فعال در زندگی، مسئولیت‌پذیری در محیط شغلی، برنامه‌ریزی برای آینده و توانایی تفکر انتقادی می‌شود.

همچنان که از نتایج پژوهش‌های انجام شده مشخص است عواملی از قبیل عدم به کارگیری الگوها و روش‌های مناسب تدریس، روش‌های نادرست ارزشیابی، انفعالی بودن دانش‌آموزان، دیکته شدن محتوای آموزشی در قالب کتاب‌های درسی و عدم ارتباط عمیق بین خانه و مدرسه، در پایین بودن سطح مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی موثر بوده‌اند. از این رو لازم است برای تعمیق یادگیری، آموزش مهارت‌ها در مدارس ابتدایی و توسعه یادگیری از مدرسه به جامعه، به بازتعریف مفهوم یادگیری در نظام تعلیم و تربیت پرداخت. لذا بر این اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد به طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی بپردازد.

- 
1. Billie,K
  2. Albertyn et all

## روش تحقیق

پژوهش حاضر، کیفی و از نوع پدیدارشناسی است. شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر را صاحب نظران حوزه آموزش ابتدایی تشکیل می‌دهند که با استفاده از نمونه گیری هدفمند و با مصاحبه با ۱۵ نفر، اشباع نظری در داده‌ها حاصل گردید.

ابزار مورد استفاده در پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که روایی صوری و محتوایی آن توسط پنج نفر از صاحب نظران غیر شرکت کننده در پژوهش حاضر مورد بررسی و تایید قرار گرفت. در این پژوهش برای محاسبه پایایی کدگذاری، از قابلیت اطمینان برای بررسی اعتبار داده‌های پژوهش استفاده گردید. قابلیت اطمینان با بررسی گزینه‌ها و داده‌های خام، کاهش داده‌ها و یادداشت برداری فرایند پژوهش صورت می‌گیرد. در این راستا در پژوهش حاضر، کدها و داده‌های استخراج شده در اختیار سه نفر از افراد مطلع از پژوهش‌های کیفی، قرار داده شد و از آنها خواسته شد به بررسی این داده‌ها بپردازند. با بررسی مکرر این کدها در نهایت به نظرات مشابه در رابطه با تفسیر و نحوه کدگذاری داده‌ها و مقوله‌ها دست یافته شد.

به منظور تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع تفسیری استفاده شد. در این راستا، ابتدا بر اساس مضامین و مفاهیم مشترک در مصاحبه‌ها، به کدگذاری پرداخته و سپس به شناسایی مقوله‌ها بر اساس کدهای استخراج شده اقدام گردید. در تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها، متن مصاحبه‌ها به طور دقیق مورد بررسی و کند و کاو قرار گرفت. به این صورت که با استخراج کدها و با تحلیل محتوای صورت گرفته بر روی این کدها و حذف کدهای مشابه و ادغام کدهای خردتر در کلی‌تر، کدهای اصلی شناسایی شدند. این کدهای اصلی مورد تحلیل قرار گرفته و در نتیجه این تحلیل، خرده مقوله‌ها استخراج شدند. این خرده مقوله‌ها بر اساس نزدیکی مفهومی و دسته‌بندی آنها در چهار گروه قرار گرفتند که محقق با تأمل بر مضامین هر یک از دسته‌ها، به نام گذاری این چهار دسته اقدام نموده و تحت عنوان مقوله‌های اصلی هدف، محتوا، روش و ارزشیابی نام‌گذاری شدند. سرانجام در مرحله آخر، این مقوله‌ها و مولفه‌های مشتمل در آنها مورد بررسی جامع‌تر و دقیق‌تر قرار گرفته و کل آنها در سه زمینه اصلی جای گرفتند که محقق با تأمل بر مضامین هر یک از دسته‌ها، به نام گذاری این سه دسته اقدام نموده و تحت عنوان دانش، نگرش و توانش آنها را مشخص ساخته است. در درون هر یک از این سه زمینه، مقوله‌های اصلی به عنوان

عناصر اصلی یک برنامه آموزشی از هدف‌گذاری شروع شده و در یک فرایند تربیتی و مرحله به مرحله به محتوا، روش، و در نهایت ارزشیابی ختم می‌یابد. ارزشیابی به عنوان آخرین عنصر، حالت بازخوردگونه داشته و به همه عناصر پیشین بازخورد ارایه می‌کند. این بازخورد، حالت اصلاحی و ترمیمی برای الگوی تدوین شده دارد.

## یافته‌ها

### ۱- اهداف ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی چگونه است؟

در تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته با اساتید و صاحب‌نظران حوزه مهارت‌های زندگی، ۱۶۴ کد استخراج شد. بعد از تحلیل محتوا بر روی کدهای حاصل، و ترکیب کدهای تکراری در یک منبع با یکدیگر، در مرحله دوم، ۱۰۰ کد، و در مرحله سوم، ۱۲ تم اصلی به دست آمد و بر این اساس، مقوله‌های اصلی بر اساس سه زمینه اصلی (دانش، نگرش و مهارت) حاصل گردید. در جدول ۱، نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی بر روی منابع در زمینه مهارت‌های زندگی ذکر شده است. خرده مقوله‌های ارایه شده در جداول ۱ تا ۴، بر اساس نزدیکی مفهومی آنها سازماندهی شده و در چهار دسته سازماندهی شدند که محقق با تأمل بر مضامین هر یک از دسته‌ها، به نام‌گذاری این چهار دسته اقدام نموده و تحت عنوان مقوله اصلی هدف، محتوا، روش و ارزشیابی دسته بندی شدند. در جداول زیر، دسته بندی خرده مقوله‌ها ارایه شده است:

جدول ۱: خرده مقوله‌های مربوط به مقوله هدف

مقوله کلی	خرده مقوله‌ها
ارتقای اعتقادات و معنویات	پرورش اعتقادی و معنوی خانواده دوستی رشد بینش و جهان بینی فراگیر نسبت به مسایل دینی و اسلامی تاکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی التزام به ارزش‌های اخلاقی وفاداری به ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم سالاری دینی و رشد میهن دوستی



مقوله کلی	خرده مقوله ها
ارتقا بهداشت و سلامت جسمی	<p>سواد بهداشت جسمی</p> <p>اهمیت و تأثیر رفتار سالم در رشد فیزیکی</p> <p>آشنایی با تغییرات بدن و طبیعی بودن این تغییرات متناسب با سن و جنس</p> <p>آشنا کردن دانش‌آموزان با تغذیه سالم و روش‌های آن</p> <p>آشنا کردن دانش‌آموزان با اصول بهداشت فردی</p>
رشد مدنی	<p>رشد مهارت جامعه‌پذیری</p> <p>دانش سیاسی</p> <p>رشد مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به یکدیگر و جامعه</p> <p>پرورش مهارت‌های اجتماعی</p> <p>ارتقای سواد اجتماعی</p> <p>رشد دانش جهانی</p>
برنامه ریزی مخارج مالی	<p>برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی</p> <p>مصرف بهینه</p> <p>پرهیز از اسراف</p> <p>قناعت و رزیدن</p> <p>انضباط مالی</p>
ارتقا مهارت‌های زیست محیطی	<p>اهتمام به منابع طبیعی و محیط زیست</p> <p>حفظ محیط زیست، حفظ آب</p> <p>ارزش قائل شدن برای خاک و منابع ملی</p> <p>بهره برداری صحیح از منابع طبیعی</p> <p>حساسیت نسبت به استفاده بی‌رویه از منابع آب و خاک</p>
ارتقای مهارت‌های فردی	<p>مهارت‌های ارتباط انسانی</p> <p>انتقادپذیری</p> <p>توانایی تصمیم‌گیری</p> <p>رشد تفکر انتقادی</p>
رشد صلاحیت‌های فردی	<p>اخلاق مدار بودن</p> <p>توانایی حل مساله</p> <p>هنرمند بودن</p> <p>باور به تمدن ایرانی اسلامی</p> <p>تعقل</p> <p>خودآگاهی کیفی</p> <p>شایستگی فنی</p>

## توضیح مقوله‌های کلی:

### مقوله: ارتقای اعتقادات و معنویات

یکی از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل اهداف، اعتقادات و معنویات می‌باشد که شامل خرده مقوله پرورش اعتقادی و معنوی؛ رشد بینش و جهان بینی فراگیر نسبت به مسایل دینی و اسلامی؛ تاکید بر تعمیق معرفت و بصیرت دینی؛ التزام به ارزش‌های اخلاقی؛ وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران؛ اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت مطلقه فقیه و مردم سالاری دینی و رشد میهن دوستی، می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۵ می‌گوید:

«محتوای مناسب آموزش مهارت‌های زندگی میتواند باورها و اعتقادات یک فرد مسلمان را تحت پوشش قراردهد، از جمله میتوان به عباداتی مثل نماز، روزه، مواردی از قبیل توحید، نبوت معاد، امامت و یا تاریخچه زندگی اولیا و انبیا الهی که هرکدام می‌تواند درسهایی برای زندگی واقعی دانش‌آموزان باشد، میتواند محتوای مناسبی برای آموزش باشد، هدف تربیت اعتقاد به دانش‌آموزان است، بنا براین لازم است که دانش‌آموزان محتوای مناسب را دریافت نمایند.»

### مقوله: ارتقا بهداشت و سلامت جسمی

یکی از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل اهداف، ارتقا بهداشت و سلامت جسمی می‌باشد که شامل خرده مقوله سواد بهداشت جسمی؛ اهمیت و تأثیر رفتار سالم در رشد فیزیکی؛ آشنایی با تغییرات بدن و طبیعی بودن این تغییرات متناسب با سن و جنس؛ آشنا کردن دانش‌آموزان با تغذیه سالم و روش‌های آن؛ آشنا کردن دانش‌آموزان با اصول بهداشت فردی، می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۱۵ می‌گوید:

«آشنایی با تغییرات بدن و طبیعی بودن این تغییرات متناسب با سن و جنس و آشنا کردن دانش‌آموزان با اصول بهداشت فردی از مواردی هستند که بایستی در مدارس مورد توجه قرار گیرند، مواردی از قبیل رشد و تغییرات فیزیکی، سیستم ایمنی بدن انسان و کمک‌های اولیه مباحث خوب و جالبی برای یادگیری هستند. البته باید متناسب با مقتضیات سنی و رشد شناختی دانش‌آموزان را در نظر گرفت.»

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ...

### مقوله: تربیت سیاسی و اجتماعی

یکی از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل اهداف، تربیت سیاسی و اجتماعی می‌باشد که در اسناد بالادستی هم به عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیت معرفی شده است و شامل خرده مقوله رشد مهارت جامعه‌پذیری؛ دانش سیاسی؛ رشد مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به یکدیگر و جامعه؛ پرورش مهارت‌های اجتماعی؛ ارتقای سواد اجتماعی می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۴ می‌گوید:

«تربیت سیاسی به همراه تربیت اجتماعی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است و شاید بتوان گفت همچنان که در میان ساحت‌های شش‌گانه تربیت و کارکردها و نقش‌هایی که تعلیم و تربیت برعهده دارد، تربیت سیاسی و اجتماعی از جمله ساحت‌های مورد توجه و از کارکردهای مهم آن است چرا که تداوم حیات جامعه تا حد زیادی به این کارکرد بستگی دارد».

### مقوله: مدیریت مالی و اقتصادی

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل اهداف، مدیریت مالی و اقتصادی می‌باشد که در اسناد بالادستی هم به عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیت معرفی شده است و شامل خرده مقوله؛ مصرف مناسب و بهینه، انضباط مالی، برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی - اسراف؛ قناعت می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۴ می‌گوید:

«یکی از کارکردهای اصلی آموزش و پرورش بایستی توجه به تربیت اقتصادی و مالی دانش‌آموزان باشد تا آنها در آینده بتوانند زندگی شخصی و خانوادگی خویش را از جهت اقتصادی مدیریت کنند، آشنا کردن فراگیران با مفاهیمی نظیر، انضباط مالی، برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی؛ مصرف بهینه؛ قناعت در قالب مفاهیم و محتوای آموزشی و بعضاً در قالب برنامه‌های فوق برنامه‌ای و برنامه درسی پنهان می‌تواند تا حدی به فراگیران در بحث مدیریت مالی و اقتصادی در آینده کمک کند».

### مقاله هنری و زیبایی شناسی

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل اهداف، تم هنری و زیبایی شناسی می‌باشد باشد که در اسناد بالادستی هم به عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیت معرفی شده است و شامل خرده مقوله‌های: مهارت‌های ارتباط انسانی؛ هنر؛ خلاقیت؛ تمدن ایرانی اسلام؛ اخلاق؛ خانواده دوستی؛ تعقل؛ خودآگاهی کیفی می‌باشد. مصاحبه شونده شماره ۱ می‌گوید:

«رشد قوه خیال، عواطف، احساسات و ذوق زیبایی شناختی (درک و خلق زیبایی) متربیان و توان رمزگشایی و کشف وجوه زیبایی شناختی امور هنری و پدیده‌های زیبا (اعم از زیبایی‌های حسی و غیر محسوس) و خلق آثار هنری باید در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر، می‌توان گفت که تربیت زیبایی شناسی هم در تحقق اهداف شناختی (درک و فهم مساله و خلاقیت)، هم در حصول اهداف عاطفی (شکل‌گیری نگرشها و ارزش‌های متعالی انسانی) و هم در بروز اهداف مهارتی (ایجاد و رشد مهارت‌های مربوط به دستکاری) نقش انکار ناپذیری دارد».

از دیدگاه مصاحبه شونده‌گان شماره ۸ و ۱۴، «تجربه زیبایی شناسی می‌تواند به عنوان یک شیوه جدید آموزشی در تربیت اخلاقی به کار رود و به این نحو که با ایجاد بینش و نگرش عاطفی در ارزش‌ها، به موازات حیطه‌های شناختی و روانی حرکتی، زمینه پرورش همه جانبه انسان را فراهم کند و تعلیم و تربیت را از الگوهای اجباری مسائل ارزشی و اخلاقی به الگوهای موثر و داوطلبانه و لذت بخش تبدیل نماید».

### مقاله: ارتقا مهارت‌های زیست محیطی

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل اهداف، ارتقاء مهارت‌های زیست محیطی می‌باشد که شامل خرده مقوله‌های: حفظ و حراست از منابع طبیعی، اهتمام به منابع طبیعی و محیط زیست؛ حفظ محیط زیست، حفظ آب؛ ارزش قائل شدن برای خاک و منابع

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ...  
ملی؛ بهره برداری صحیح از منابع طبیعی؛ حساسیت نسبت به استفاده بی رویه از منابع آب و خاک می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۲ می‌گوید:

«با توجه به نقش و اهمیت شرایط زیست محیطی، حراست و پاسداری از این سرمایه با درج مطالب و محتوای مرتبط با آنها از جمله حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، انرژی، منابع ملی و زیر زمینی و... در محتوای کتاب‌های درسی می‌تواند ترویج و انجام گیرد و اگر دانش‌آموزان با محیط زیست و راه‌های محافظت از آن و آثار آنها آشنا شوند، می‌تواند الگوی خوب و مطلوبی برای آنها باشد».

#### مقوله: ارتقا مهارت‌های میان فردی

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل اهداف، ارتقا مهارت‌های میان فردی می‌باشد که شامل خرده مقوله‌های: برقراری ارتباط معقول با اطرافیان، شایستگی فنی، کنترل فشارهای روحی، انتقادپذیری، توانایی تصمیم‌گیری، توانایی حل مساله، رشد تفکر انتقادی می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۹ می‌گوید:

«با توجه به اینکه دوره ابتدایی، دوران شکل‌گیری شخصیت کودک در ابعاد مختلف است، یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی در این دوره گام اول زندگی اجتماعی افراد محسوب می‌شود و با یادگیری آنها می‌توان انتظار داشت فرد در زندگی خانوادگی و اجتماعی نقش مفید و سازنده‌ای داشته باشد. بنابراین یادگیری زبان و مهارت‌های زبانی و آداب و مهارت‌های زندگی می‌تواند آینده تحصیلی و اجتماعی فرد را تضمین و عدم یادگیری آن سبب شکست تحصیلی یا اجتماعی دانش‌آموز در آینده شود و در این بین ارتقا مهارت‌های میان فردی بر اهمیت یادگیری فردی دانش‌آموزان برای ایفای بهتر وظایف شهروندی در جامعه ایرانی تاکید دارد».

جدول ۲: خرده مقوله‌های مربوط به مقوله محتوا

مقوله کلی	خرده مقوله
سواد فاوا	تسهیل یادگیری‌های پایه و اساسی فاوا آشنایی با ابزارهای فناورانه رشد مهارت بهره‌گیری از فضای مجازی آشنایی با فضای مجازی و آموزش مزایا و معایب آن رشد نگرش به ذاته خوب یا بد نبودن فضای مجازی
توانمندی‌های فرهنگی	پاسداشت ارزش‌های ملی - میهنی انتقال میراث فرهنگی ارج گذاری مفاخر عشق به ارزش‌های بومی و ملی ارج نهادن به سرمایه ملی
مسئولیت مدنی	مسئولیت پذیری برنامه ریزی نظم و انضباط فردی و اجتماعی ارتقای دانش مربوط به مسئولیت‌های افراد خانواده به یکدیگر کنار آمدن با موقعیت‌های غیرقابل تغییر رعایت قوانین و مقررات پذیرش آرای دیگران
مهارت‌های علم آموزی	هدفمندی نحوه حل تعارض جستجوی دانش جدید شناخت استلزامات انجام حرفه‌های مختلف آگاهی از چگونگی تفکر یادگیری نحوه یادگیری رشد قوه تمیز درست از نادرست
روانی - اجتماعی	سعه صدر رشد همدلی خودآگاهی مقابله با استرس گشودگی ذهن مقابله با ناکامی

## ۲- محتوای ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی چگونه است؟

در بعد محتوا نیز پس از کدگذاری اولیه و استخراج مفاهیم ثانویه، تم‌های نهایی محتوا شناسایی شد که این فرایند در قالب جداول مربوطه نشان داده شده است. انتخاب محتوا و سازماندهی آن طبق اصول و ضوابط معینی انجام می‌گیرد. در الگوی پیشنهادی نیز اصول انتخاب شده با توجه به قابلیت‌های مهارت‌های زندگی و میزان درک و علاقه دانش‌آموزان و ارتباط محتوای این برنامه با سایر دروس بوده است اصولی همچون تعادل، علاقه، تلفیق، سودمندی، قابلیت یادگیری توالی و غیره نشان دهنده ویژگی ممتاز کاربردی بودن متناسب با علاقه دانش‌آموز و تلفیق محتوای ورودی با یکدیگر است که به عنوان اصول پایه در انتخاب و سازمان دهی محتوای برنامه، باید مورد توجه طراحان برنامه درسی باشد. در جداول زیر، دسته بندی خرده مقوله‌ها ارائه شده است:

### توضیح مقوله‌های کلی

#### مقوله : سواد فاوا

یکی از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل محتوا، سواد فاوا می‌باشد که شامل خرده مقوله‌های تسهیل یادگیری‌های پایه و اساسی فاوا؛ آشنایی با ابزارهای فناورانه؛ استفاده از شبکه شاد؛ رشد مهارت بهره‌گیری از فضای مجازی؛ آشنایی با فضای مجازی و آموزش مزایا و معایب آن؛ رشد نگرش به ذاته خوب یا بد نبودن فضای مجازی، می‌باشد. مصاحبه شونده شماره ۱ می‌گوید:

«آشنا کردن دانش‌آموزان دوره ابتدایی با تکنولوژی‌های مورد نیاز و مجهز کردن آنها به سواد فاوا بایستی در برنامه درسی دوره ابتدایی مورد توجه قرار گیرد. همچنین آشنا کردن با ویژگی‌ها و توانایی فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه با ملزم کردن آنها به تفکر بیشتر در آن باید لحاظ گردد چرا که گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات امروزه به واقعیتی انکار ناپذیری تبدیل شده و تصور زندگی بدون تکنولوژی امکان ناپذیر است.»

#### مقوله: مسئولیت مدنی

یکی از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل محتوا، مسئولیت مدنی می‌باشد که شامل خرده مقوله‌های؛ برنامه‌ریزی؛ نظم و انضباط فردی و اجتماعی؛ ارتقای دانش مربوط به مسئولیت‌های

افراد خانواده به یکدیگر؛ کنار آمدن با موقعیت‌های غیرقابل تغییر؛ رعایت قوانین و مقررات؛ پذیرش آرای دیگران می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۹ می‌گوید:

«آموزش و پرورش باید در فراهم کردن بستری برای رشد روحی و روانی افراد برنامه‌ریزی کند، افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی و کمک به آنان در جهت دستیابی به یک شخصیت مستقل و ایجاد توانایی برای مذاکره کردن و مشارکت با دیگران باید در برنامه درسی ابتدایی مورد توجه قرار گیرد، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، بیان عقاید و ایده‌ها، داشتن عقاید مستقل و مسئولیت‌پذیری از دیگر مواردی هستند که باید مورد توجه متولیان حوزه آموزش ابتدایی قرار بگیرد».

### مقوله: توانمندی‌های فرهنگی

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل محتوا، توانمندی‌های فرهنگی می‌باشد که شامل خرده مقوله‌های، پاسداشت ارزش‌های ملی - میهنی، انتقال میراث فرهنگی؛ ارج گذاری مفاخر؛ عشق به ارزش‌های بومی و ملی؛ ارج نهادن به سرمایه ملی، می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۱۳ در این خصوص می‌گوید:

«برنامه درسی در دوره ابتدایی باید مولفه‌های مرتبط با مهارت‌های زندگی که شامل: پرورش عادات، تمایلات و تقویت سرمایه‌های اجتماعی، شان و منزلت انسان‌ها، حاکمیت بر سرنوشت خود، نقش فردی افراد در سازندگی اجتماع، توانایی تصمیم‌گیری مستقل در خصوص امور جامعه را در دانش‌آموزان شکل دهد. آموزش مهارت‌های زندگی در این زمینه می‌تواند توانمندی‌های روانی اجتماعی دانش‌آموزان را ارتقا بخشد».

همچنین مصاحبه شونده شماره ۱۲ در این خصوص می‌گوید:

«از وظایف و ماموریت‌های عمده و اصلی آموزش و پرورش ایجاد زمینه‌ای مناسب برای تربیت شهروندانی است که با پاسداشت ارزش‌های ملی - میهنی و حفظ هویت‌های فرهنگی و قومی جوامع محلی و ملی، بتوانند حقوق و وظایف یک شهروند جهانی را نیز یاد بگیرند و در حرکت به سوی جامعه جهانی بهتر حرکت نمایند».



طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ...

### مقوله: روانی - اجتماعی

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل محتوا، روانی - اجتماعی می‌باشد که شامل خرده مقوله نحوه ی حل تعارض؛ سعه صدر؛ خودآگاهی؛ مقابله با استرس؛ گشودگی ذهن؛ مقابله با ناکامی می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۲ در این خصوص می‌گوید:

«آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان در دوره ابتدایی به شکل منظم و سازمان‌دهی شده، می‌تواند تأثیر عمده‌ای در ارتقای دانش، نگرش و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشد، بدون شک ضعف در آموزش مهارت‌های مربوط به بعد روانی اجتماعی می‌تواند مشکلات روانی و اجتماعی زیادی را برای دانش‌آموزان ایجاد نماید که می‌توان با طراحی یک برنامه آموزشی همه جانبه با هدف موفقیت در تحصیل و زندگی آنان قابل جبران خواهد بود، اما در این زمینه گنجاندن محتوایی که بتواند مهارت‌های نه گفتن را در آنها ایجاد نماید یا همچنین محتوایی که مهارت‌های اجتماعی و فردی را در آنها تقویت نماید، از اهمیت خاصی برخوردار است».

### مقوله: مهارت علم آموزی

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی استخراج شده از تحلیل محتوا، ارتقای علمی می‌باشد که شامل خرده مقوله هدفمندی؛ جستجوی دانش جدید؛ شناخت استلزامات انجام حرفه‌های مختلف؛ آگاهی از چگونگی تفکر؛ یادگیری نحوه یادگیری؛ رشد قوه تمیز درست از نادرست می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۱۱ در این خصوص می‌گوید:

«یکی از مهارت‌های اصلی که در نظام آموزشی در دوره ابتدایی بر آن تاکید ویژه می‌شود و برنامه رسمی در مدارس هم بدین منظور طراحی و تنظیم می‌شود، مهارت علم آموزی و فراگیری دانش برای فراگیران است. از جمله این فعالیت‌ها که بیشتر بر آن تاکید می‌شود توجه به مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن است که این مهارت‌ها جزو مهارت‌های زندگی در قرن حاضرند. این مهارت‌ها در محیط‌های مبتنی بر وب جایگاه ویژه ای دارند و استفاده از هر وسیله الکترونیکی نیازمند داشتن این مهارت می‌باشد».

### ۳- راهبردهای آموزش و یادگیری در ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان در دوره

#### ابتدایی چگونه است؟

در برنامه درسی مهارت‌های زندگی، راهبردهای تدریس و شیوه آن از ویژگی‌های اساسی چون چالش محوری، مسأله محوری، یادگیری مستقل و هدایت شده، جمع‌آوری اطلاعات از منابع گوناگون، فرضیه سازی و آزمایش آن و جمع‌بندی برخوردار است (بندک، ۱۳۹۳). روش‌های آموزش مهارت‌های زندگی باید زمینه‌ساز یادگیری دانش‌آموزان از موضوعات درسی را فراهم نمایند، روش فعال، روش گروهی، ارشادگری؛ بارش مغزی؛ روش تلفیقی، کار عملی؛ حل مسأله؛ ایفای نقش؛ آزمایش؛ گردش‌های زیارتی؛ برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی؛ پرسش و پاسخ؛ شبیه سازی؛ بازی آموزشی؛ مطالعه میدانی؛ مطالعه موردی و تحلیل وضعیت؛ گردش علمی؛ رشد ارزش‌های بومی و ملی از طریق مطالعات میدانی، از جمله روش‌هایی هستند که در آموزش برنامه درسی مهارت‌های زندگی مورد استفاده قرار گیرند. در جداول زیر، دسته بندی خرده مقوله‌ها ارائه شده است:

جدول ۳: خرده مقوله‌های مربوط به مقوله روش

مقوله کلی	خرده مقوله
تدریس فعال	حل مسأله
	ایفای نقش
	آزمایش
	بارش مغزی
	کار عملی
	تفکر نقاد
	پرسش و پاسخ
	شبیه سازی
	بازی آموزشی
	مطالعه میدانی
	مطالعه موردی و تحلیل وضعیت
	گردش علمی
	روش گروهی
رشد ارزش‌های بومی و ملی از طریق مطالعات میدانی	

مقوله کلی	خرده مقوله
تدریس غیر فعال	سخنرانی ارشادگری گردش‌های زیارتی روش تلفیقی برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی

### مقوله: تدریس فعال

یکی از مقوله‌های اصلی استخراج شده از روش تدریس، تدریس فعال باشد که شامل خرده مقوله‌های: ایفای نقش، آزمایش، بارش مغزی، کار عملی، تفکر نقاد، پرسش و پاسخ، شبیه سازی، بازی آموزشی، مطالعه میدانی، مطالعه موردی و تحلیل وضعیت، گردش علمی، روش گروهی، رشد ارزش‌های بومی و ملی از طریق مطالعات میدانی می‌باشد.

مصاحبه شونده شماره ۷ در این پژوهش می‌گوید:

«یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش، رشد سواد هیجانی دانش‌آموزان است چرا که در یادگیری جنبه‌های هیجانی به همان اندازه ارزشمند هستند که جنبه‌های شناختی مورد تاکید قرار می‌گیرند. بنابراین، علاوه بر این اصل مذکور باید کارکردهای اجرایی دانش‌آموزان را تقویت کند؛ یعنی بتواند منتج به ارتقای توانایی تصمیم‌گیری دانش‌آموزان شود. یک معلم در کلاس و در فرایند تدریس باید شیوه چگونگی تصمیم‌گیری را تسهیل نماید. بنابراین یکی از روش‌های آموزشی که می‌تواند مورد استفاده معلم قرار گیرد، آموزش به شیوه محاکم قضایی می‌باشد».

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان (شماره ۹) می‌گوید:

«نظام آموزش ابتدایی با هدف تسهیل یادگیری‌های پایه و اساسی دانش‌آموزان شکل گرفته و درصدد تحقق این هدف است. لذا باید تمامی تلاش‌ها برای تدوین برنامه‌های درسی جدید و روش‌های نوین یاددهی یادگیری در این راستا انجام شود. اما چنین مسئله‌ای نیازمند توجه ویژه است. به هر حال تاکید معلم باید بر همکاری و تعامل و مشارکت دانش‌آموزان باشد و به طرق مختلف روحیه همکاری و کارگروهی را تشویق و ترغیب نماید. نکته دیگر اینکه افراد باید یاد بگیرند به عنوان یکی از اعضای جامعه باید مسئولیت بپذیرند و نسبت به آن حساس باشند؛ بنا براین روشی مثل ایفای نقش می‌تواند مورد استفاده معلمان قرار گیرد».

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان (شماره ۴) در این پژوهش می‌گوید:

«معلم باید از روش‌های استفاده کند که بر روش‌های گروهی، فعال و خلاق و طراحی فعالیت‌های یادگیری مهارت محور تأکید داشته باشد به نحوی که دانش‌آموزان با استفاده از آن سازگاری با موقعیت‌های متعارض را یاد بگیرند و بدانند که رویارویی با مسائل مختلف نیازمند تأمل فکورانه است. استفاده از روش‌هایی همچون حل مساله، بارش مغزی و روش تدریس معکوس و... می‌تواند مورد استفاده معلمان باشد.»

#### مقوله: تدریس غیرفعال

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی استخراج شده از روش تدریس، تدریس فعال باشد که شامل خرده مقوله های: سخنرانی، ارشادگری، گردش‌های زیارتی، روش تلفیقی، برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی می‌باشد.

یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان (شماره ۱۰) می‌گوید:

«روش‌های گردش علمی و آموزشی البته آموزش مستقیم و استفاده از روش‌های آموزش مستقیم از جمله سخنرانی نیز می‌تواند به یادگیری آنها کمک نماید با توجه به اینکه دانش‌آموزان در این دوره در مرحله رشد شناختی عملیات عینی پیازه هستند، بنابراین می‌توانند مطالب را بیشتر از طریق درگیری حسی یاد بگیرند.»

یکی دیگر از مصاحبه شونده‌گان (شماره ۶) در این پژوهش می‌گوید:

«در دوره ابتدایی یکی از اصولی که می‌تواند در انتخاب روش تدریس مینا قرار گیرد، ارشاد کردن یا ارشادگری در ارائه محتوا و تکالیف آموزشی به دانش‌آموزان است. به هر حال تأثیر این روش در توانایی‌های دانش‌آموزان متفاوت است، بنابراین آنها به یک اندازه و به یک میزان یاد نمی‌گیرند یا حتی تکالیفی را که معلمان به آنها می‌دهند، نیز در یک زمان انجام نمی‌شود پس مهم است که ضمن استفاده از روش ارشادگری به تفاوت‌های فردی آنها توجه نماییم»

#### ۴- روش‌های ارزشیابی در ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی چگونه

است؟

تعیین میزان تحقق اهداف برنامه درسی از طریق ارزشیابی امکان پذیر است. در ارزشیابی برنامه درسی مهارت‌های زندگی به اصولی همچون، اصل توجه به همکاری و مشارکت

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ...  
 دانش‌آموزان، اصل توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، اصل توجه به رشد سواد هیجانی  
 و غیره توجه می‌شود.

جدول ۴: خرده مقوله‌های مربوط به مقوله ارزشیابی<sup>۱</sup>

مقوله کلی	خرده مقوله ها
ارزشیابی فرایند مدار	پروژه خودارزیابی
	کارپوشه
	ارزشیابی کیفی
	مشاهده عملکرد
	انعطاف در ارزشیابی
	ارزیابی مهارت‌های تفکر سطح بالا
ارزشیابی نتیجه مدار	پروژه گروهی
	ارزشیابی کمی
	پروژه فردی
	ازمون‌های تحلیلی
	ارزشیابی انفرادی
	آزمون‌های چند گزینه‌ای و کوتاه پاسخ
آزمون‌های دارای راه حل‌ها و پاسخ‌های متعدد	

### مقوله: ارزشیابی فرایند مدار

یکی از مقوله‌های اصلی استخراج شده از ارزشیابی، ارزشیابی فرایند مدار می‌باشد که شامل  
 خرده مقوله پروژه خودارزیابی، کارپوشه، ارزشیابی کیفی، مشاهده عملکرد، انعطاف در  
 ارزشیابی، ارزیابی مهارت‌های تفکر سطح بالا، پروژه گروهی می‌باشد.  
 شرکت کننده شماره ۸ می‌گوید:

«ارزشیابی باید معطوف به سوالاتی گردد که تفکر برانگیز باشد. بر مبنای چنین رویکردی به  
 سنجش از دانش‌آموزان انتظار می‌رود به جای تشخیص پاسخ درست، پاسخ سؤال را بسازند.  
 بدین ترتیب به آنها امکان داده می‌شود که در برخورد با مساله، چگونگی قدرت استدلال خود

۱. با توجه به یکسان بودن تعدادی از خرده‌مقوله‌های عناصر چهارگانه برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی، بخشی از  
 خرده‌مقوله‌های به دست آمده در این مقاله با نتایج پژوهش بندک (۱۳۹۳) شباهت دارد.

را ظاهر سازند. به همین خاطر، بهتر آن است که در ارزشیابی‌ها و امتحانات ضمن کسب آگاهی از دانسته‌ها و آموخته‌های دانش‌آموزان جنبه ایجابی ارزشیابی از آموخته‌های سلبی آنان یعنی آنچه را که فهمیده‌اند نمی‌داند، نیز پرسش شود. بدین ترتیب هم اهمیت موضوع از نظر دانش‌آموزان روشن شده و هم معلم در می‌یابد در سوق دادن دانش‌آموزان به مسیر یادگیری پویا تا چه اندازه موفق بوده است».

همچنین یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۱۳) می‌گوید:

«لحاظ نمودن تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در سنجش عملکرد، مهمترین اصلی است که در سنجش پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان در برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی در هر دوره‌ای باید در نظر گرفته شود. اگر ما بپذیریم که شیوه‌های دانستن متنوع هستند و یادگیرندگان حق دارند که از همه انواع شیوه‌های دانستن بهره ببرند؛ اگر بپذیریم که سواد فقط محدود به آنچه که از طریق زبان ادا می‌شود نیست، بلکه رقص، موسیقی و هنرهای دیداری هم زبان‌هایی هستند که موجب ساخت و پرورش ذهن و معنی می‌شود؛ در سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان باید از شیوه‌هایی استفاده کرد که سنجش اصیل را امکان پذیر سازد. نمونه‌هایی از فنون سنجش اصیل عبارتند از سنجش عملکردی، کار پوشه، و خود سنجی».

همچنین یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان (شماره ۶) می‌گوید:

«ارزشیابی توسط همسال و خانواده خود نیز از موارد ارزشیابی است، این عمل هم می‌تواند در حضور دانش‌آموزان باشد و هم می‌تواند در غیاب آنها انجام گیرد، اما آنچه که باید رد این نوع سنجش مورد توجه قرار گیرد این است که ارزشیابی خانواده و هم‌تایان دانش‌آموز ارزشیابی منفی از آنان داشته باشند، به دلیل اینکه ممکن است نتایج منفی به همراه داشته باشد، بهتر است فقط معلم در جریان این ارزشیابی قرار گیرد».

### مقوله: ارزشیابی نتیجه مدار

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی استخراج شده از ارزشیابی، ارزشیابی نتیجه‌مدار می‌باشد که شامل خرده مقوله ارزشیابی کمی، پروژه فردی، ازمون‌های کوتاه پاسخ، آزمون‌های تحلیلی، ارزشیابی انفرادی، ارزشیابی کمی، آزمون‌های دارای راه‌حل‌ها و پاسخ‌های متعدد می‌باشد. مصاحبه‌شونده (شماره ۳) می‌گوید:

«در ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان باید نتایج یادگیری را مورد سنجش قرار داد. به این خاطر از واژه نتایج به جای اهداف استفاده شده است که دانش‌آموزان علاوه بر اهداف قصد

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ...

شده، چیزهای دیگری را هم فرا می‌گیرند. به بیان روشن‌تر اینکه دانش‌آموزان تنها آنچه قصد شده را یاد نمی‌گیرند، بلکه آنها چیزهای دیگری را نیز یاد می‌گیرند که برخاسته از رابطه بین محتوا و علایق آنها است. به منظور ارزشیابی این نتایج باید ارزشیابی‌ها به صورت مصاحبه‌ای، بازپاسخ و پروژه‌های باشند تا یادگیری‌های انفرادی دانش‌آموزان نمود پیدا کند».

مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ در این پژوهش می‌گوید:

«استفاده از ارزشیابی کمی و به شکل ویژه‌تر، تست‌های چندگزینه‌ای و آزمون‌های کوتاه پاسخ و آزمون‌های کمی به دانش‌آموزان در تقویت بعد مهارت‌های شناختی کمک می‌کند. در این راستا باید سنجش مبتنی بر برقرارکردن ارتباط بین مفاهیم و مطالب باشد و موجبات یادگیری شناختی را فراهم سازد. همچنین سنجش کمی باید امکان تنوع پاسخ‌های صحیح و راه حل‌های متعدد برای پاسخگویی به مسئله را فراهم سازد و دانش‌آموزان را از اینکه برای حل مسائل تنها یک راه حل و یک پاسخ و قطعی وجود ندارد، آگاه کند. سنجش کمی باید مبتنی بر آنچه باشد که در کلاس درس تدریس شده اما محدود به آن نباشد زیرا دانش‌آموزان چیزهای دیگری هم یاد می‌گیرند».

##### ۵- الگوی پیشنهادی ارتقای مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی چگونه است؟

مقوله‌های حاصل شده (هدف، محتوا، روش و ارزشیابی) که در جداول بالا ارایه شده و مولفه‌های مشتمل در آنها مورد بررسی جامع‌تر و دقیق‌تر قرار گرفته و کل آنها در سه زمینه اصلی جای گرفتند که محقق با تأمل بر مضامین هر یک از دسته‌ها، به نام‌گذاری این سه دسته اقدام نموده و تحت عنوان سه زمینه اصلی دانش، نگرش و توانش آنها را مشخص ساخته است. در درون هر یک از این سه زمینه، مقوله‌های اصلی به عنوان عناصر اصلی یک برنامه آموزشی از هدف‌گذاری شروع شده و در یک فرایند ترتیبی و مرحله به مرحله به محتوا، روش و در نهایت ارزشیابی ختم می‌یابد. ارزشیابی به عنوان آخرین عنصر، حالت بازخورد گونه داشته و به همه عناصر پیشین بازخورد ارایه می‌کند. این بازخورد، حالت اصلاحی و ترمیمی برای الگوی تدوین شده دارد. در شکل‌های ۱، ۲ و ۳ این فرایند نشان داده شده است.

دانش			
ارزشیابی	روش	محتوا	هدف
ارزشیابی کمی	تدریس غیر فعال	آشنایی با ابزارهای فناورانه	رشد اعتقادی و معنوی
آزمون‌های دارای راه حل‌ها و پاسخ‌های متعدد	سخنرانی		رشد دانش جهانی
ارزشیابی انفرادی	ارشاد‌گری	رشد قوه تمیز درست از نادرست	ارتقا بهداشت و سلامت جسمی
آزمون‌های چند گزینه‌ای و کوتاه پاسخ	روش بازی	آگاهی از چگونگی تفکر	ارتقای تربیت سیاسی و اجتماعی
آزمون‌های تحلیلی		آشنایی با فضای مجازی و آموزش مزایا و معایب آن	آشنایی با کارکردهای خانواده
التفات به تفاوت‌های فردی فراگیران		ارتقای دانش مربوط به مسئولیت‌های افراد خانواده به یکدیگر	دانش سیاسی
		شناخت استلزامات انجام حرفه‌های مختلف	ارتقای مهارت هنری و زیبایی شناسی
		انتقال میراث فرهنگی	
		گشودگی ذهن	
		جستجوی دانش جدی	



## نگرش

ارزشیابی	روش	محتوا	هدف
ارزشیابی انفرادی	گردش‌های زیارتی	عشق به ارزش‌های بومی و ملی	ارتقای اعتقادات و معنویات
ارزشیابی فرایند مدار	برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی	رشد نگرش به ذاته خوب یا بد نبودن فضای مجازی	اهتمام به منابع طبیعی و محیط زیست
ارزشیابی کیفی	رشد ارزش‌های بومی و ملی از طریق مطالعات میدانی	خودآگاهی	رشد بینش و جهان بینی فراگیر نسبت به مسایل
انعطاف در ارزشیابی	آموزش به شیوه محاکم قضایی (در زمینه پرورش کنترل عواطف فراگیران در تصمیم‌گیری)	هدم‌مداری	رشد میهن دوستی
		سعه صدر	رشد همدلی
		ارج گذاری مفاخر	ارج نهادن به سرمایه ملی
		پذیرش آرای دیگران	خانواده دوستی
		مقابله با استرس	رشد مسئولیت پذیری افراد نسبت به یکدیگر و جامعه
		مقابله با ناکامی	انتقادپذیری
			کنترل فشارهای روحی

شکل ۲: الگوی مولفه‌های مرتبط به نگرش

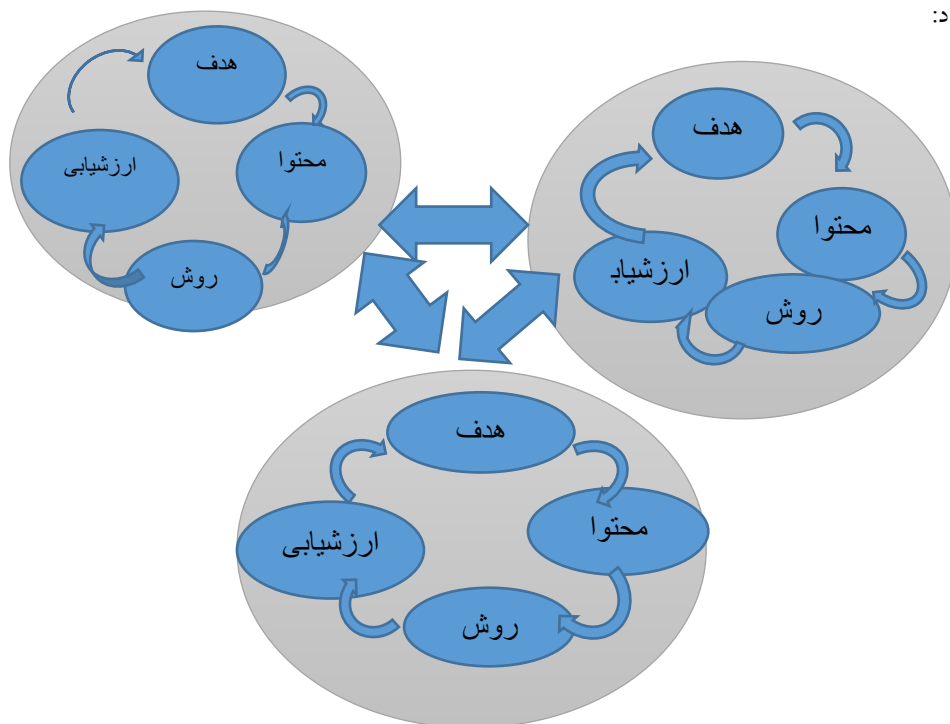


شکل ۳: الگوی مولفه‌های مرتبط به توانش

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ...

با توجه به الگوهای ارائه شده، ارتباط الگوی کلی این تحقیق را به صورت زیر می‌توان نشان

داد:



شکل ۴: الگوی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان ابتدایی

شکل ۴، الگوی ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان ابتدایی را نشان می‌دهد. همانطور که در شکل مشاهده می‌شود، دانش، نگرش و توانش در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند. به بیان دیگر، نگرش‌ها، عامل اساسی و اولیه در فراگیری دانش و دانش‌اندوزی و همچنین انجام مهارتی هستند. دانش و آگاهی در امری به توانایی در انجام مهارت و نیز ارتقای نگرش مثبت می‌گردد. تبصر در انجام مهارتی به تولید دانش و ایجاد انگیزه در فرد می‌انجامد. علاوه بر این در درون هر یک از این حیطه‌های سه‌گانه عناصر چهارگانه هدف، محتوا، روش و ارزشیابی قرار دارند که فرایند آموزش و یادگیری در هر یک از این حیطه‌ها را برای دوره‌های ابتدایی تسهیل می‌نماید. این عناصر در یک ارتباط چرخه‌ای قرار دارند که از هدف

شروع شده و به محتوا و سپس به روش و سرانجام به ارزشیابی ختم می‌شوند. نتایج حاصل از ارزشیابی به صورت بازخورد به تدوین و بازنگری اهداف می‌انجامد.

### بحث و نتیجه گیری

آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد تربیتی و آموزشی، از ارکان مهم توسعه و پیشرفت جوامع بشری است. به طوری که یک بخش اصلی زندگی در دنیای امروز محسوب می‌شود و در طی قرن‌های گذر عمر آموزش و پرورش، این ضرورت بیشتر شده و بر مبنایی بودن آن تأکید شده است. در این راستا، آموزش ابتدایی به سبب زیربنایی و پایه‌ای بودن، نقشی مبنایی در تعلیم و تربیت و به تبع آن در زندگی انسان برعهده دارد و در واقع اولین سنگ بنای سازندگی شخصیت کودکان و نهایتاً سازندگی جامعه، در همین سال‌های اولیه دوران ابتدایی گذاشته می‌شود. با احتساب این اهمیت، پژوهش حاضر به طراحی الگویی برای ارتقای مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی پرداخته است.

الگوی کلی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دوره ابتدایی، دوره پایه‌ریزی ساختار - شخصیتی و رفتاری کودک، شکل‌گیری رشد عقلانی، اجتماعی و عاطفی و شخصیت آدمی و توسعه مهارت‌های بنیادی و حرکتی فرزند آدمی است. بر این اساس، آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان ابتدایی، در قالب سه زمینه کلی دانش، نگرش و مهارت انجام گیرد. آموزش‌های ارائه شده در این زمینه‌ها توسط چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی انجام می‌گیرد که با عنوان برنامه درسی مطرح است. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های جواد پور، عزیزی و نوروزنژاد (۱۳۹۳) و روشنی (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. آنها هم در پژوهش‌های خود به نتایج مشابه پژوهش حاضر دست یافتند. در تبیین و تفسیر این یافته می‌توان بیان داشت که متأسفانه در مدارس به شکل جدی به بحث آموزش مهارت‌های زندگی پرداخته نمی‌شود و بیشتر مسایل علمی و تاکید بر فرایندهای شناختی مدنظر است. هر چند در سال‌های اخیر و متناسب با اجرای اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به بحث مهارت‌های جدید و آموزش فراگیران بر مبنای این مهارت‌ها اقدامات صورت گرفته و تا حدی وضعیت بهتر شده است اما آموزش و پرورش نیازمند توجه به شکل جدی‌تر است و در این راستا و با برنامه‌ریزی دقیق و دعوت از خبرگان، و برگزاری سمپوزیم‌ها،

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ...

نشست‌ها و جلسات با حضور اولیا و مربیان نسبت به کیفی تر نمودن بحث مهارت‌های زندگی اقدام کند. در این بین، برنامه درسی می‌تواند با بازسازی منطقی دانش و تجربه، زمینه رشد دائمی یادگیرنده در زمینه‌های مهارت‌های اجتماعی و شخصی را فراهم کند (اشتادیر، ۲۰۱۸: ۱۵). بنابراین، برنامه درسی در حقیقت وسیله‌ای است که از طریق آن فراگیران درباره مسایل و موضوع‌های مختلف به تفکر و تأمل و جست و جوی راه‌حل‌های صحیح و مناسب می‌پردازند. از برنامه درسی دوره ابتدایی انتظار می‌رود ضمن این که بتواند به نیازهای دانش‌آموزان در زمینه‌های مختلف پاسخ قابل قبولی ارائه دهد، باید شرایط ایجاد تحول کیفی در تحصیل و آمادگی برای ورود به جامعه بزرگ‌تر برای احراز شغل مولد در آینده، بهبود و توسعه دانش و فناوری را در جامعه فراهم نماید به هر حال الگوی پیشنهادی. برای دوره ابتدایی با هدف تسهیل یادگیری‌های پایه و اساسی دانش‌آموزان شکل گرفته و درصدد تحقق این هدف است و پیشنهاد می‌گردد در نظام آموزش و پرورش تمامی تلاش‌ها برای تدوین برنامه‌های درسی جدید و روش‌های نوین یاددهی یادگیری در راستای الگوی پیشنهادی انجام شود.

الگوی پژوهش همچنین نشان می‌دهد دانش، نگرش و توانش در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند. به بیان دیگر، نگرش‌ها، عامل اساسی و اولیه در فراگیری دانش و دانش‌اندوزی و همچنین انجام مهارتی هستند. دانش و آگاهی در امری به توانایی در انجام مهارت و نیز ارتقای نگرش مثبت می‌گردد. تبصر در انجام مهارتی به تولید دانش و ایجاد انگیزه در فرد می‌انجامد. علاوه بر این در درون هر یک از این حیطه‌های سه گانه عناصر چهارگانه هدف، محتوا، روش و ارزشیابی قرار دارند که فرایند آموزش و یادگیری در هر یک از این حیطه‌ها را برای دوره‌های ابتدایی تسهیل می‌نماید. این عناصر در یک ارتباط چرخه‌ای قرار دارند که از هدف شروع شده و به محتوا و سپس به روش و سرانجام به ارزشیابی ختم می‌شوند. نتایج حاصل از ارزشیابی به صورت بازخورد به تدوین و بازنگری اهداف می‌انجامد. نکته با اهمیت دیگری که در ارتباط با یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان بیان نمود و همان طور که در الگو نیز نشان داده شده است در آموزش مهارت‌های زندگی به فراگیران دوره ابتدایی، لازم است به هر سه جنبه دانش، نگرش و مهارت به موازات هم و به طور یکسان

توجه گردد. یکی از مسایلی که در نظام آموزشی به ویژه در دوره ابتدایی وجود دارد این است که همواره توجه اصلی و بیش از حد به موضوعات و مسایلی بوده است که در تقسیم بندی‌ها جزء مسایل شناختی قرار می‌گیرد و از مسایلی که در حیطه موضوعات عاطفی و نگرشی است غفلت می‌شود. این در حالی است که به منظور تکوین شخصیت فراگیران دوره ابتدایی و آموختن مهارت‌های زندگی باید همه ابعاد دانشی، نگرشی و مهارتی به طور اثربخشی در آنها رشد یابند. دوره کودکی به واسطه روح مستعد و آماده فراگیری برای آموختن، زمینه‌ای را ایجاد می‌کند که هر فعالیتی مانند نقشی بر سنگ، ماندگار باقی بماند. تحویل گرفتن روح‌های مستعد دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی این فرصت طلایی را به معلمان و مدیران این مدارس می‌دهد تا بهترین بهره را برای ظهور و تجلی ارزش‌ها در کودکان بگیرند. بنابراین تقویت نگرش و باور فراگیران نیز به موازات ارتقای دانش و مهارت آنان نیز از اهمیت والایی برخوردار است. در این زمینه، محیط یادگیری عامل مهمی در حفظ و افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی است و یادگیری آنها تحت تأثیر فضای عاطفی و روانی حاکم بر مدرسه شکل می‌گیرد. بنابراین تأمین ابزار، وسایل و فناوری‌های نوین مورد نیاز مدارس ابتدایی و تقویت فرهنگ کاربست آن برای فراهم شدن محیطی غنی، جذاب، شوق‌انگیز و یادگیرنده پسند برای کودکان ضروری است.

رسالت اصلی آموزش ابتدایی در عصر کنونی، آموزش و ارتقای مهارت‌های زندگی در فراگیران این دوره تحصیلی به عنوان نسل آینده ساز جامعه است. اگر قرار است فراگیران را به عنوان شهروند مطلوب در جامعه آینده آماده نماییم، می‌بایست آموزش مهارت‌های زندگی و آموزش برای بهزیستی را در اولویت کار خود قرار دهیم. این امر به کارکرد مطلوب هر دو جنبه آموزشی و پرورشی نیازمند است. زمینه‌ها و مقوله‌های شناسایی شده در پژوهش حاضر ناظر بر هر دو جنبه مذکور است. به منظور آموزش و ارتقای دانش، نگرش و مهارت فراگیران در راستای مهارت‌های زندگی، هر دو جنبه آموزش و پرورش لازم است در چارچوب رسالت‌هایی که برای دوره ابتدایی به تصویر کشیده شده است به طور مطلوب حرکت نمایند. جدایی ناخواسته آموزش و پرورش از هم و تفکیک فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و جدا

طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی ارتقای مهارت‌های زندگی ...

دیدن فعالیت‌های آموزشی از فعالیت‌های پرورشی می‌تواند خسارت‌های جبران ناپذیری را برای نظام آموزشی ابتدایی به عنوان پایه به همراه داشته باشد.

با توجه به نقش با اهمیتی که برنامه درسی در ارایه آموزش مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی در قالب دانش، نگرش و مهارت ایفا می‌نماید، بازنگری در برنامه درسی به منظور متناسب نمودن آن با تحولات گسترده در علم و فناوری و همگام نمودن آن با پیشرفت‌های بشری، امری ضروری می‌نماید تا با نیازهای واقعی دانش‌آموزان و جامعه همسویی وجود داشته باشد. همچنین باید در تدوین و اجرای برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی، به مهارت‌هایی از قبیل پرورش تفکر خلاق و نقاد، ارتقای روحیه جستجوگری و تقویت مهارت پژوهش و حل مساله که از مهارت‌های اساسی یادگیری مادام‌العمر هستند و در اسناد بالادستی نیز بر آنها تاکید شده است اهتمام ویژه‌ای داشت و به عنوان اهداف نوین آموزش ابتدایی مورد توجه قرار گیرند. البته تحقق همه این موضوعات و اثربخش بودن یک برنامه درسی در اجرا، نیازمند معلمان شایسته و کارآمد در این دوره می‌باشد. معلمان نقطه آغاز هر تحول در آموزش و پرورش هستند و بنابراین شناسایی، جذب، آموزش، و توانمندسازی آنان در برنامه‌های راهبردی آموزش و پرورش برای دوره ابتدایی، باید در اولویت فعالیت متولیان و دست اندرکاران آموزش و پرورش دوره ابتدایی قرار گیرد. هر چند که در این راستا در سال ۱۳۹۹ طرح «خوانا» در راستای توجه بیشتر به مهارت‌های زندگی توسط متولیان حوزه آموزش ابتدایی طراحی شده است و برای اجرا ابلاغ شده است. اما نیاز است با توجه به اینکه بهترین دوران برای تعمیق و اثربخشی آموزش مهارت‌های چهارگانه زبانی و زندگی، دوران کودکی است، برنامه‌های در راستای توجه به آموزش مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی طراحی و تدوین گردد.

در مجموع بر اساس آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که الگوی برنامه درسی مبتنی بر ارتقای مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، رویکردی جامع و همه جانبه نگر بوده و توجه به همه جوانب تربیتی فراگیر اعم از پرورش ذهن، بدن و اخلاق فراگیران در اولویت کاری برنامه‌ریزان درسی دوره ابتدایی قرار دارد. در این فرایند، بسترسازی مناسب در جهت رشد و پرورش همه جانبه فراگیران (جامع‌نگری) باید از اولویت اساسی در نزد سیاستگذاران و متولیان برنامه ریزی درسی دوره ابتدایی برخوردار باشد. در تدوین این نوع برنامه درسی لازم

است به قابل وصول بودن اهداف، به روز بودن، توالی و تداوم مناسب، و پرورش احساس و ادراک و رشد خودتنظیمی و خودراهبری فراگیران دوره ابتدایی توجه نمود.

## منابع

- احدی، محمود؛ مظاهری، حسن (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان "اعتبار بخشی راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۴ (۱۱)، ۱۶۵-۱۹۰.
- ادیب، یوسف (۱۳۸۹). الگوی بهینه برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دوره ابتدایی، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶ (۲): ۳۶-۵.
- ادیب منش، مرزبان (۱۴۰۰). بررسی وضعیت مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان در دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران شهر کرمانشاه، فصلنامه پوشش در علوم انسانی، ۲۴، ۷۵-۵۷.
- بندک، موسی. (۱۳۹۳). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی آموزش مهارت‌های زندگی در دوره ابتدایی، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- براهویی، بهزاد؛ عارفی، محبوبه و محمدی چابکی، رضا (۱۳۹۵)، مهارت‌های زندگی در برنامه درسی مقطع دبستان: ضرورت و بایست‌ها، اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم.
- جوادی پور، محمد؛ عزیزی، پروین؛ و نوروززاده، رضا (۱۳۹۳). میزان تحقق اهداف مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی، پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۲۱ (۴): ۱۱۳-۱۲۸.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۰). اصول و مبانی تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عرب گل، فریبا؛ محمودی، جواد، حکیم شوشتی، میترا (۱۳۸۴). اثر برنامه آموزش مهارت‌های زندگی بر عملکرد دانش‌آموزان سال چهارم دبستان، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۷ (۳)، ۵۸-۵۰.
- روشنی، طاهره (۱۳۹۵). بررسی روانشناسی مدیریت نوین آموزشی " آموزش مهارت‌های زندگی " مدارس ابتدایی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی، ۹۴-۸۱.
- خدارحمی، مریم؛ ملکی، حسن (۱۳۹۴). بررسی رابطه تعاملی جامعه و مدرسه در برنامه درسی دوره متوسطه، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۰ (۳۹)، ۱۵۵-۱۸۲.

Alberty R M, Kapp CA, Croenewald CJ. (2014). Patterns of empowerment in individualas through the course of a life skills program . Journal of Studies the Education of Adults, 2:20-780



- Buhler A, Schroder E, Rainer K. (2018). The role life skills promotion in substance abuse prevention: a mediation analysis. Published by oxford Journal University Press:4:621-32.
- Billie, K; Hooper, D. R; Ginter, E. J. (2017). Life skills adolescents, and career choices. *Journal of Mental Health Counseling*, 20 (3) 272-282.
- Gilak, M. (2017). Life skills training. *Journal of Peivand*, 25 (318): 36-42.
- Miles, M. B., & Huberman, A. M. (1994). *Qualitative data analysis: An expanded sourcebook* (2nd Ed. ). California: Sage publications.
- Goudas M, Dermitzaki I, leondari A, Danish S, (2016), The effectiveness of teaching a life skills program in a physical education context, *European Journal of Psychology of Education*,4:429-438.
- Orkin, Wendia. (2016). Improving student Life Skills. Through classroom intervention and intergration, ERICNO: Ed 432093.
- Schneider P, Zimman WF. (2018). Need assessment about life skill training programs in Germanian, *Journal school psycho*, 4:281-294
- Seevers, R., & Jones- Blank. M. (2008). The effects of social skills training on social skill development and on student behavior. *Education Journal*, 9. 1-19